

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: إن شا الله در خدمت امام زمان روحی فداه باشید، بنده دانشجو معلم ترم ۶ و کلیت متوجه شدم اصل توجه و تبیین مبانی اسلام و انقلاب و تربیت و کار فرهنگی مهم است در این راستا، یک موضوعی که مکررا در صحبت شما دیدم در مورد پیدا کردن نقش افراد در عصر امروز اگر انقلاب اسلامی در نظر نگیرند نقش درست و حقیقی نخواهیم داشت، اما مشکل بنده به چیزی دیگه است با توجه به این معیار(حالا ممکنه کامل نبوده) اما وظیفه پیدا نکردم و نمی‌دونم باید چی کار کنم؟! از طرفی وضعیت حساس و مهم و مشکلات زیاد و دشمن هم منتظر ما نمی‌ماند و حیات این جریان خیلی مهم هست، اما هم خودم به شخصه، هم دیگران رو دیدم که اول راه بود فقط میدونسته انقلاب درسته و مهم هست شروع کرده به کار کردن اما وضعیتش روز به روز بدتر شده و حرکات سینوسی داشته و ناپایدار، به علت عدم خودسازی و شناخت لازم و حتی معنویتیش کمتر شده و کار موثری نکرده، در همین راستا هم یک نظر وجود داره که جوون تویی که اول راهی زود تب انقلاب و اسلام نگیرتت باید برای مدتی شروع کنی به شناخت خود و جهان و پیرامون و ارزش خود و آخرت فهم کنی، و به قول اون تعبیر که اشهد ان محمدا عبده و رسوله که اول باید عبد بود و بندگی کرد و خلوت داشت و عمیق شد و جوگیر نشد و خود رو پیدا کرد ولی اگه از همون مسئولیت های سنگین و عمیق برداشت مثلا در مورد خودم و دوست شده که آقا برای آموزش و پرورش چی کار باید کرد؟ و... و می‌ریم جلو چون توان بار نیست و قبل ترش خودشناسی نیست خستگی حاصل میشه، و بریدن و دیگه حوصله ای برای کار انقلابی نمی‌مونه چیزی که الان برای حقیر رخ داده که از طرفی بحث وضعیت حساس مطرح هست از طرفی نمی‌دونم و توانی نیست کاری کنم و حالت روزمرگی و بیخیالی برای بنده رخ داده و دلم هم با کار سطحی و مسکنی کنار نیامد و انجام نمیدم معمولا، از طرفی ادعا داریم اما عملی نداریم، بندگان خدایی کاری هم انجام با مبنا این که، این کار چهل سال دوم نیست و باید کار مبانی و تخصصی کرد اونم زیر سوال می‌بریم اما خودمون...، این که استاد راه حل چیه استاد حقیقتا خسته شدم با بیست یک سال از این تناقض، گرفتار بی برنامه‌گی و روزمره شدم و نمی‌دونم چی کار کنم و ترس از این دارم که عمری بگذرد و نسبت هم رو با اسلام پیدا نکنم و خودم رو به اون هدفی که برایش خلق شدم نفهمم و اسراف نعمات کنم! از طرفی می‌شنویم از بزرگترها که تا جوان هستید کار کنید که اگه نکنید خبری نیست، اما از این ور هیچ کاری نداریم و روز به روز اضطراب از درون بیشتر میشه و کاری نمی‌کنیم نه دنیوی و اخروی و برنامه برای رشد و حرکت جدی به سمت هدف اصلی نداریم؛ کسی می‌خواهد شروع کند پیدا کردن رسالت خود در این عالم به طور کل چه باید

بکند؟ از طرفی این سوال مطرح میشه، که اگه باید برای شناخت خود و خلوت و تفکر و تعقل وقت گذاشت، پس مشکلات کشور چه می‌شود؟ آیا این با قدر وسع حل می‌شود که اون مسائل نه این که به ما ربطی نداشته باشه ولی ما باید به اندازه وسع فعلی فکر کنیم و عمل؟ ممنون میشم بنده راهنمایی کنید و ان شاء الله به لطف خدا و ائمه اطهار از این وضعیت نامطلوب و راکد دربیایم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پیشنهاد بنده نیز همین است که باید مبانی خود را مطابق این زمانه شکل بدهیم لذا اولاً: حضور ذیل شخصیت مقام رهبری را برای خود اصل قرار دهید تا در افق نگاه و شخصیت ایشان بتوانید خود را به خوبی و مطابق این زمانه ادامه دهید. ثانیاً: سیر مطالعاتی سایت را مدّ نظر داشته باشید. ثالثاً: تأمل بر کتاب «سلوک ذیل شخصیت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه)» را به میدان آورید. رابعاً: «خود راه بگویدت که چون باید کرد». موفق باشید.